



## The role of the military-industrial complex in US defense and military policies during the first term of the Trump presidency (2016-2020)

Mansur Hajipur<sup>1</sup> | Armin Amini<sup>2</sup> | Reza Shirzadi<sup>3</sup>

1. PhD student in International Relations, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran.

2. Corresponding Author: Associate Professor, Department of International Relations, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.  
armin.amini@kiau.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

### Volume info

Vol. 18  
Series: 69  
Winter 2025  
P.P: 69-100

### Article Type

Research Paper

### Article History

Received:  
2025-06-26  
Revised:  
2025-08-07  
Accepted:  
2025-08-26  
Published:  
2025-12-31

### ISSN – E-ISSN

ISSN: 2538-1857  
E-ISSN: 2645-5250



### Abstract

This article examines the role of the military-industrial complex in the defense and military policies of the United States during Trump's first term in office between 2016 and 2020. The results show that the US military-industrial complex is the most important group that has benefited from the current hegemonic security trend in the country and has a role in securitizing US foreign policy. The economic activity of the military-industrial complex in American society is carried out in two ways; on the one hand, these complexes act as a driver of the US economy, and when the economy is in recession, the government tries to help increase their sales by supporting the complexes, which creates jobs and capital. The main question is what impact did the military-industrial complex have on the defense and military policies of the United States during Trump's first term in office between 2016 and 2020? The main hypothesis, using an explanatory-analytical method using secondary data, is that the military-industrial complex, as an identity-building and legitimizing element, has driven the defense and military policies of the United States during the first term of Trump's presidency towards non-participatory unilateralism and increased the risk of war around the world between 2016 and 2020.

**Keywords:** Military-industrial complex, defense policies, strategic-security, unilateralism, Donald Trump.

**Cite this Article:** Hajipur, M., Amini, A., & Shirzadi, R. (2026). The role of the military-industrial complex in US defense and military policies during the first term of the Trump presidency (2016-2020). *Security Horizons*, 18(69), 69-100.



**Publisher:** Imam Hossein University.

© The Author(s).



## نقش مجتمع‌های نظامی - صنعتی در سیاست‌های دفاعی و نظامی ایالات متحده در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ (۲۰۲۰-۲۰۱۶)

منصور حاجی‌پور<sup>۱</sup> | آرمین امینی<sup>۲</sup> | رضا شیرزادی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران.  
۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران. armin.amini@kiaou.ac.ir  
۳. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران.

### چکیده

در مقاله حاضر، به نقش مجتمع‌های نظامی - صنعتی در سیاست‌های دفاعی و نظامی ایالات متحده در دوره ریاست جمهوری نخست ترامپ بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که مجتمع نظامی - صنعتی آمریکا مهمترین گروهی هستند که از روند امنیتی هژمونیک گرایانه (یکجانبه‌گرایی) کنونی این کشور منتفع شده‌اند و در امنیتی کردن سیاست خارجی آمریکا نقش دارند. فعالیت اقتصادی مجتمع‌های نظامی - صنعتی در جامعه آمریکا به دو طریق انجام می‌شود: از یک سو این مجتمع‌ها به عنوان محرک اقتصاد آمریکا عمل می‌کنند و زمانی که اقتصاد دچار رکود می‌شود، دولت سعی می‌کند با حمایت از مجتمع‌ها به افزایش فروش آنها کمک کند که این کار باعث اشتغال‌زایی و کسب سرمایه می‌شود. پرسش اصلی این است که مجتمع‌های نظامی - صنعتی چه تأثیری بر سیاست‌های دفاعی و نظامی ایالات متحده در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ داشته‌اند؟ فرضیه اصلی به روش تبیینی - تحلیلی با استفاده از داده‌های ثانویه این است که مجتمع‌های نظامی - صنعتی به عنوان عنصر هویت بخش و مشروعیت آفرین، سیاست‌های دفاعی و نظامی ایالات متحده در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ را به سمت یکجانبه‌گرایی غیرمشارکتی و افزایش القای خطر جنگ در سراسر جهان بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ سوق داده است.  
**کلیدواژه‌ها:** مجتمع نظامی - صنعتی، سیاست‌های دفاعی، راهبردی - امنیتی، یکجانبه‌گرایی، دونالد ترامپ

سال و شماره

سال ۱۸، پیاپی: ۶۹  
زمستان ۱۴۰۴  
صص: ۱۰۰-۶۹

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵  
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴  
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸  
الکترونیکی: ۵۲۵۰-۲۶۴۵



**استناد:** حاجی پور، منصور، امینی، آرمین، و شیرزادی، رضا. (۱۴۰۴). نقش مجتمع‌های نظامی - صنعتی در سیاست‌های دفاعی و نظامی ایالات متحده در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ (۲۰۲۰-۲۰۱۶). فصلنامه آفاق امنیت، ۱۸(۶۹)، ۱۰۰-۶۹.

©  
ناشر: دانشگاه جام امام حسین (ع). نویسندگان.



OPEN ACCESS

## مقدمه

انقلاب صنعتی موجب تحولی اساسی در رابطه بین تسلیحات، جنگ و دولت شد. پس از آن تاکنون تفاوت در فن‌آوری‌های تسلیحاتی که به سرعت در حال توسعه هستند به معنای تفاوت بین شکست و پیروزی در جنگ‌های بزرگ می‌باشد. با پر اهمیت تر شدن تسلیحات، شرکت‌هایی که آنها را تولید می‌کردند بیش از هر زمان دیگری از نظر سیاسی تأثیرگذار شدند. تقریباً همیشه، این شرکت‌ها به دنبال به حداکثر رساندن سود خود با «تسخیر» فرآیندهای سیاست‌گذاری از طریق کمپین‌های روابط عمومی، لابی‌گری و مشارکت در کمپین‌های انتخاباتی سیاستمداران بودند. در همین حال، چالش‌های بسیج و تبدیل صنایع و علم در زمان صلح برای اهداف زمان جنگ، چالش‌های سیاسی جدیدی را برای دولت ایجاد می‌کرد. در واقع فناوری‌ها و زیرساخت‌ها و امثالهم، فرآیندهای تصادفی و مستقل نبودند، بلکه متقابلاً ساختار یکپارچه تر قدرت نخبگان را تشکیل می‌دادند.

مجتمع نظامی صنعتی ریشه‌ای دیرین در ساخت قدرت سیاسی و نظامی آمریکا دارد. بینش اصلی مجتمع صنعتی نظامی و مکاتب فکری مثلث آهنین (که صنایع دفاعی و متحدان آنها در ارتش و سیاست به عنوان یک گروه ذینفع برای پیشبرد پروژه‌های تدارکاتی عمل خواهند کرد) به صورت قوی نیازمند بررسی است و شیوه خاصی که این پویایی‌ها رخ می‌دهند، از دولتی به دولت دیگر به عنوان تابعی از نهادهای آنها متفاوت است. سوال واقعی که بیشتر سیاست‌گذاران در این زمینه می‌پرسند این است که چگونه می‌توان اثرات منفی خارجی را که مجتمع‌های صنعتی-نظامی ایجاد می‌کنند را کاهش داد؟

در واقع مجتمع‌های نظامی-صنعتی با نفوذ در ساختار سیاسی آمریکا، اهداف و منافع اقتصادی خود را به عنوان اهداف و منافع این کشور و هم پیمانانش جلوه داده و با بهره‌گیری از مکانیزم‌های مختلف، نقش برجسته‌ای را در شکل دهی و پیشبرد سیاست خارجی ایالات متحده در دوران جنگ سرد و پس از آن ایفا کرده‌اند. قرارداد چند صد میلیارد دلاری فروش تسلیحات به عربستان سعودی که در دوران دونالد ترامپ منعقد شد نقش و کارکرد نهان مجتمع‌های نظامی صنعتی آمریکا را بیش از پیش نمایان ساخت.

بنابراین مجتمع نظامی - صنعتی آمریکا مهمترین گروهی است که از روند امنیتی کنونی منتفع شده‌اند و در امنیتی کردن سیاست خارجی آمریکا نقش دارند. مسائلی مانند چگونگی شکل‌گیری و بین‌المللی شدن مجتمع نظامی - صنعتی و رابطه آنها با بحران‌های پیرامونی در بازخیز مجتمع‌های نظامی صنعتی و تأثیر آن بر سیاست‌های دفاعی و نظامی ایالات متحده در دوران ترامپ که بار دیگر برنده انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۲۴ شده است نیازمند واکاوی است که توجه همه جانبه به آن ضرورت دارد.

هدف اصلی مقاله حاضر که به روش تبیینی - تحلیلی با استفاده از داده‌های ثانویه صورت می‌گیرد، بررسی جایگاه مجتمع‌های نظامی - صنعتی در سیاست‌های دفاعی و نظامی ایالات متحده در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ می‌باشد. پرسش اصلی این است که مجتمع‌های نظامی - صنعتی چه تأثیری بر سیاست‌های دفاعی و نظامی ایالات متحده در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ داشته‌اند؟

فرضیه اصلی به روش تبیینی - تحلیلی با استفاده از داده‌های ثانویه این است که مجتمع‌های نظامی - صنعتی به عنوان عنصر هویت بخش و مشروعیت آفرین، سیاست‌های دفاعی و نظامی ایالات متحده در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ را به سمت یکجانبه‌گرایی غیرمشارکتی و افزایش القای خطر جنگ در سراسر جهان بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ سوق داده است.

## ادبیات نظری

برای فهم تعاملات واحدهای سیاسی، واقع‌گرایی رویکردی بدبینانه به نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. به طور کلی واقع‌گرایان نگاهی مادی و سخت‌افزارانه به امنیت دارند. توجه رئالیست‌های نئوکلاسیک بیش از هر چیز به قدرت است و قدرت را نیز مانند نئورئالیست‌ها بر اساس توانمندی تعریف می‌کنند. آنها برخلاف نئواقع‌گرایان به برداشت‌های ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها نیز توجه دارند و در کنار عوامل سطح نظام در نظریه‌پردازی از آنها بهره می‌برند (Moshirzadeh, 2007: 129).

زکریا معتقد است همان‌گونه که تاریخ نشان می‌دهد ثروتمندی دولت‌ها رابطه مستقیمی با ایجاد ارتش‌های بزرگ دارد تا از آنها برای افزایش نفوذ بین‌المللی استفاده نمایند و این توانمندی -

های نسبی موجب ثبات دولت‌ها می‌گردد (Zakaria, 1999: 23). بنابراین ثروت دولت‌ها موجب قدرت دولت‌ها و افزایش قدرت ملی می‌گردد و همین امر در نهایت منتهی به سیاست‌های خارجی توسعه طلبانه می‌شود (Zakaria, 1999: 27). مرشایمر نیز معتقد است نظام بین‌الملل سرشار از تهدید است و دولت‌ها برای حفظ بقا ناچار هستند که قدرت خود را به حداکثر برسانند (Mearsheimer, 2001: 144). به نظر او دلیل اصلی قدرت‌طلبی دولت‌ها را باید در سه چیز جستجو کرد: ۱- ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل (Mearsheimer, 2001: 361)، ۲- توانمندی‌های تهاجمی که همه دولت‌ها از آن برخوردارند (Mearsheimer, 2001: 45)، و ۳- عدم اطمینان در مورد نیت و مقاصد دشمن (Mearsheimer, 2001: 86-89). عوامل ساختاری مانند آنارشی و توزیع قدرت بیشترین فاکتوری هستند که در تبیین روابط بین‌الملل اهمیت دارند.

بر این اساس برای برقراری ارتباطی منطقی و متعادل میان نقش مجتمع نظامی - صنعتی در سیاست‌های دفاعی و نظامی ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری ترامپ ما علاوه بر نظریه-پردازی واقع‌گرایی تهاجمی نیازمند نظریه اقتصاد سیاسی داریم. اصطلاح اقتصاد سیاسی توسط پیروان مکتب مرکانتیلیسم (سوداگری) عنوان گردید و سپس مورد بحث علمای کلاسیک اقتصاد نظیر پتی<sup>۱</sup> و کسنای<sup>۲</sup>، آدام اسمیت<sup>۳</sup>، دیوید ریکاردو<sup>۴</sup> و دیگران قرار گرفت. نظریه اقتصاد سیاسی، رابطه پیچیده بین قدرت سیاسی و نظام‌های اقتصادی را بررسی می‌کند. این نظریه بررسی می‌کند که چگونه سیاست‌های دولتی، ایدئولوژی‌ها و ساختارهای اجتماعی بر فعالیت اقتصادی تأثیر می‌گذارند و برعکس، چگونه نیروهای اقتصادی، چشم‌اندازهای سیاسی را شکل می‌دهند. این حوزه، دیدگاه‌های مختلفی از جمله نظریه‌های کلاسیک، مارکسی، کینزی و نئوکلاسیک را در بر می‌گیرد و تعامل این نیروها را در سطوح ملی و جهانی تجزیه و تحلیل می‌کند.

در واقع اقتصاد سیاسی ممکن است از جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی برای تعریف چگونگی تأثیر دولت، یک سیستم اقتصادی و سیاست بر یکدیگر استفاده کند. سیاست اقتصادی یک کشور اغلب با تغییر احزاب سیاسی تغییر می‌کند. این می‌تواند بر مواردی مانند سیاست پولی و مالی، تولید ناخالص داخلی و مدیریت بحران تأثیر بگذارد. این تغییرات می‌تواند منجر به قوانین،

1- Petty

2- Quesnay

3- Adam Smith

4- David Ricardo

سیاست‌ها یا نتایج انتخابات جدید شود. درک اقتصاد سیاسی می‌تواند به کشورها کمک کند تا در مواجهه با تغییرات اقتصادی جهانی، انعطاف‌پذیرتر شوند.

## پیشینه پژوهش

تحلیل رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌المللی یکی از مباحث اصلی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. دانشوران این حوزه تلاش دارند علل و عوامل موثر در رفتار و سیاست‌های متفاوت یا مشابه دولت‌ها را در عرصه بین‌المللی درک کنند. از سوی دیگر مجتمع‌های نظامی - صنعتی یکی از پدیده‌های سیاست بین‌المللی هستند که نقش پیچیده‌ای را در فرآیند تصمیم‌گیری و سیاست خارجی برخی کشورها ایفا می‌کنند. در واقع مجتمع نظامی - صنعتی در کشورهای توسعه یافته و صنعتی می‌توانند از جمله بازیگران مؤثر در رفتار سیاست خارجی این کشورها باشند و در بررسی تحولات بین‌الملل، به عنوان یک ابزار تحلیل، در تبیین علل رفتار بعضی کشورها به ویژه در حوزه‌های امنیتی و نظامی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

حوزه‌های امنیتی و راهبردی از جمله مجتمع‌های نظامی - صنعتی در مقاله حاضر با مشکلات متعددی در فرآیند تحقیقاتی روبرو هستند که از جمله آنها می‌توان به کمبود منابع و اسناد که از سوی دولت‌ها و شرکت‌های تسلیحاتی منتشر می‌شوند اشاره کرد. کمبود اطلاعات از زمان آیزنهاور در سال ۱۹۶۱ تا به امروز همچنان پا برجاست. حال به روز بودن تحقیق حاضر یعنی دوره دونالد ترامپ (۲۰۲۰-۲۰۱۶) محدودیت‌های بیشتری را نیز ایجاد می‌نماید.

با توجه به اهمیت حفظ برتری در بازارهای جهانی و گسترش ارزش‌های لیبرالیسم که ایالات متحده برای خود تعریف نموده است، نقش مجتمع‌های نظامی - صنعتی، مباحث مربوط به اقتصاد سیاسی نظامی‌گری قدرت‌های بزرگ دیرزمانی است که در محافل دانشگاهی در جریان است و تحقیقات موجود توانسته برخی زوایای پنهان سیاست‌های نظامی این کشورها را روشن سازد.

محمدنیا (۲۰۱۸) در مقاله «بازخیز مجتمع نظامی - صنعتی: بحران آفرینی و جنگ علیه تروریسم بین‌الملل» این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی به مطالعه‌ی ماهیت و ابعاد مختلف مجتمع نظامی صنعتی پرداخته و نقش آن‌ها را به عنوان مهم‌ترین لابی نظامی، در افزایش بودجه‌ی نظامی و سیاست نظامی‌گری آمریکا بررسی کرده است. نگارنده معتقد است «ظهور تروریسم بین-

الملل امنیت آمریکا را آسیب‌پذیرتر کرده است، اما نمی‌توان افزایش مداوم بودجه‌ی نظامی و سیاست‌های جنگی و امنیتی ایالات متحده را در عرصه‌ی بین‌المللی، صرفاً ناشی از ظهور تهدیدات امنیتی جدید دانست، بلکه بخش عمده‌ای از دلایل سیاست‌های آمریکا در افزایش بودجه‌ی نظامی و بحران آفرینی و مواجهه با تروریسم ناشی از نفوذ مجتمع نظامی صنعتی در لایه‌های مختلف نظامی امنیتی این کشور است. مهم‌ترین نتیجه‌ی پژوهش این است که مجتمع نظامی صنعتی آمریکا مهم‌ترین لابی نظامی امنیتی این کشور است و نقش برجسته‌ای در تصمیم‌گیری نظامی امنیتی آمریکا دارد.

مدرس و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله «نقش مجتمع‌های نظامی - صنعتی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا» با طرح این سوال که مجتمع‌های نظامی - صنعتی چه نقشی در سیاست خارجی آمریکا داشته‌اند، این فرضیه را به آزمون گذاشته‌اند که نفوذ مجتمع‌های نظامی - صنعتی در نهادهای مرتبط با سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا باعث هدایت سیاست خارجی این کشور به سمت مداخله‌گرایی و جنگ شده است. اطلاعات و داده‌های تحقیق متکی به منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است و نویسندگان می‌کوشند با استناد به شواهد و مصادیق مهم تاریخی به تحلیل و تبیین مکانیزم‌ها و نقش مجتمع‌های نظامی - صنعتی در سیاست خارجی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم بپردازند.

شکوهِی آذر و گیوکی (۲۰۱۱) در مقاله «مجتمع‌های نظامی صنعتی و نقش نظامی‌گری در سیاست خارجی آمریکا» معتقدند مجتمع‌های نظامی - صنعتی حاصل پیوند بخش‌های مختلف سیاسی و اقتصادی هستند که با نفوذ در لایه‌های مرکزی حاکمیت و دستگاه سیاسی کشورها دستیابی به «قدرت» و «ثروت» را برای خود مهیا ساخته‌اند و در نتیجه بر اقتصاد، علم، سیاست و جامعه کشورها تأثیر گذارده‌اند.

کاکس (۲۰۱۴) در مقاله «مجتمع نظامی - صنعتی و هزینه‌های نظامی ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر» به بررسی تأثیر مجتمع نظامی - صنعتی بر هزینه‌های نظامی قبل و بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر و بررسی قدرت اقتصادی، سیاسی و نهادی آن پرداخته است.

با توجه به عنوان مقاله در دسته ادبیات تحقیق مرتبط با سیاست‌های دونالد ترامپ باید دو دیدگاه کلی به سیاست‌های امنیتی، نظامی و خارجی آمریکا که تماماً در ذیل سیاست «اول

آمریکا» قرار می‌گیرد را از هم بازشناسایی کرد؛ دسته نخست منتقدان این رویکرد هستند و دسته دوم موافقان و یا دست کم همسویان.

نظریه پردازان دسته نخست عمدتاً رویکرد «اول آمریکا» ترامپ در سطح تعامل جهانی آمریکا در این دوران را مورد انتقاد قرار داده (Kopan, 2016) (Drezner, 2022: 1533-1552)، رویکردی که فایده و مأموریت اصلی ناتو را زیر سوال برده و دستخوش نقد قرار داده (Lake, 2016)، نزدیک شدن به روسیه را زیر سوال برده (Taylor, 2023: 1595) (Deyermond, 2023: 1595) و این رویکرد را در دوری از تمرکز بر سیاست تغییر رژیم در گذشته (Shabanikiya, 2016) (Shahi, 2020: 23-31) (1-11) و خروج از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در سال ۲۰۱۸ را محکوم می‌نمایند (Phillips, 2018: 1-13) (Kyriakidis, 2021: 55-66). از نظر نگارندگان این دسته بزرگترین مشکل ترامپ در تمام مدت ریاست جمهوری خود، نوع رابطه با «دولت عمیق» آمریکا<sup>۱</sup> در ایجاد معیار واقع‌گرایانه همسو در تعریف «منافع» و «تهدید» بوده است.

در دسته دوم نظریه پردازان تعبیری متعادل‌تر و همسو تر از سیاست‌های ترامپ ارائه می‌نمایند. برخی مانند فریدا استرن<sup>۲</sup> سیاست‌های «اول آمریکا» دونالد ترامپ را مثبت دیده و آن را در تجدید رقابت ژئوپلیتیکی و بازتعریف ساختارهای اقتصادی و دیپلماتیک پس از جنگ جهانی دوم ضروری می‌بینند (Stranne, 2020: 99). عده‌ای از نظریه پردازان نیز تغییر سیاست‌های آمریکا در برابر روسیه و تمرکز بر جنگ اقتصادی با چین را ناشی از تفکرات تاجر مآبی ترامپ می‌دانند (Korobkov, 2019: 39-58).

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	محمدنیا (۲۰۱۸)	بازخیز مجتمع نظامی-صنعتی: بحران آفرینی و جنگ علیه تروریسم بین‌الملل	مجتمع نظامی صنعتی آمریکا مهم‌ترین لابی نظامی امنیتی این کشور است و نقش برجسته‌ای در تصمیم‌گیری نظامی امنیتی آمریکا دارد.

۱- مراد از دولت عمیق آمریکا (deep state): اجزای کلیدی دستگاه امنیت ملی، مجتمع‌های نظامی - صنعتی و دو حزب اصلی جمهوری-خواهان و دموکرات‌ها به عنوان دو قطب سیاسی در واکنش‌گتن می‌باشد.

2. Frida Stranne

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۲	مدرس و همکاران (۲۰۱۷)	نقش مجتمع‌های نظامی - صنعتی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا	نفوذ مجتمع‌های نظامی-صنعتی در نهادهای مرتبط با سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا باعث هدایت سیاست خارجی این کشور به سمت مداخله‌گرایی و جنگ شده است.
۳	شکوهی آذر و گیوکی (۲۰۱۱)	مجتمع‌های نظامی صنعتی و نقش نظامی‌گری در سیاست خارجی امریکا	مجتمع‌های نظامی-صنعتی حاصل پیوند بخش‌های مختلف سیاسی و اقتصادی هستند که با نفوذ در لایه‌های مرکزی حاکمیت و دستگاه سیاسی کشورها دستیابی به «قدرت» و «ثروت» را برای خود مهیا ساخته‌اند و در نتیجه بر اقتصاد، علم، سیاست و جامعه کشورها تاثیر گذارده‌اند.
۴	کاکس (۲۰۱۴)	مجتمع نظامی-صنعتی و هزینه‌های نظامی ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر	هزینه‌های نظامی آمریکا بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر به شدت افزایش یافته و نقش مجتمع نظامی-صنعتی پررنگ‌تر شده است.
۵	فریدا استرن (۲۰۲۰)	دستور کار سیاست خارجی ترامپ: هر چیزی جز انزوآگرایی	سیاست‌های «اول آمریکا» دونالد ترامپ را مثبت دیده و آن را در تجدید رقابت ژئوپلیتیکی و بازتعریف ساختارهای اقتصادی و دیپلماتیک پس از جنگ جهانی دوم ضروری می‌بیند.
۶	کروبوکو (۲۰۱۹)	دونالد ترامپ و روابط رو به رشد ایالات متحده و روسیه	سیاست‌های آمریکا در برابر روسیه و تمرکز بر جنگ اقتصادی با چین را ناشی از تفکرات تاجرمانی ترامپ می‌داند.
۷	کریاکدیس (۲۰۲۱)	تأملاتی در مورد	بزرگترین مشکل ترامپ در تمام مدت

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده/ نویسندگان	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
		تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران	ریاست جمهوری خود، نوع رابطه با «دولت عمیق» آمریکا <sup>۱</sup> در ایجاد معیار واقع‌گرایانه همسو در تعریف «منافع» و «تهدید» بوده است.
۸	درزرنر (۲۰۲۲)	چگونه تحریم نکنیم	رویکرد «اول آمریکا» ترامپ در سطح تعامل جهانی آمریکا در این دوران را مورد انتقاد قرار داده است.
۹	لیک (۲۰۱۶)	شعار جدید «اول آمریکا»ی دونالد ترامپ، ریشه در دوران نازی‌ها دارد	رویکردی که فایده و مأموریت اصلی ناتو را زیر سوال برده و دستخوش نقد قرار داده است.
۱۰	دیرموند (۲۰۲۳)	ریاست جمهوری ترامپ، روسیه و اوکراین: توضیح ناهماهنگی	رویکردی که نزدیک شدن به روسیه را زیر سوال برده است.

با بررسی ادبیات تحقیق مشاهده می‌شود که تحقیق مستقلی که به موضوع جایگاه مجتمع‌های نظامی - صنعتی در سیاست‌های دفاعی و نظامی ایالات متحده در دوره ریاست جمهوری نخست ترامپ که سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ را در برگیرد وجود نداشته یا حداقل به چشم نگارندگان این مقاله نیامده و در این زمینه خلأهای تحقیقاتی مشاهده می‌گردد که پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این خلأها می‌باشد. بدین منظور این مقاله به مجتمع‌های نظامی - صنعتی ایالات متحده به عنوان دو عنصر هویت بخش و مشروعیت آفرین در جهت پیشبرد اهداف دستگاه سیاستگذاری کاخ سفید نگاه می‌کند.

۱- مراد از دولت عمیق آمریکا (deep state): اجرای کلیدی دستگاه امنیت ملی، مجتمع‌های نظامی - صنعتی و دو حزب اصلی جمهوری-خواهان و دموکرات‌ها به عنوان دو قطب سیاسی در واشنگتن می‌باشد.

## روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی و همچنین امکانات در دسترس، از دو روش برای گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها استفاده شده است:

(۱) روش تحلیل رویدادها: به کمک این روش، ابتدا اطلاعات مناسبی در مورد راهبردهای امنیتی آمریکا بدست آورده خواهد شد، و با توجه به اینکه تمرکز اصلی مقاله پیش رو، بررسی تاثیر مجتمع‌های نظامی - صنعتی بر سیاست‌گذاری‌های راهبردی و امنیتی ترامپ بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ است، این اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت.

(۲) روش تحلیل داده‌های ثانوی یا داده‌های متراکم: در مرحله اول این روش، ابتدا متون مربوط به موضوع (در اینجا تحول کارکردهای امنیتی آمریکا) جستجو و سپس در مرحله بعد، فیش برداری با توجه به چارچوب کلی پژوهش انجام شده است. در مرحله آخر نیز داده‌ها، مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در ضمن با مراجعه به سایت‌های اینترنتی و آماری، آمارهای مرتبط با موضوع پژوهش جستجو شده، و اطلاعات لازم، گردآوری و مورد استفاده قرار گرفته است.

## یافته‌های پژوهش

### ۱- مرور تاریخی جایگاه مجتمع‌های نظامی - صنعتی در

#### ساخت قدرت ایالات متحده

اهمیت روزافزون اقتصادی و نظامی مجتمع‌های نظامی - صنعتی باعث شده است برخی از سیاستگذاران نسبت به نفوذ و قدرت آنها ابراز نگرانی کنند و مهم‌ترین و سرمنشا این نگرانی‌ها سخنان دوایت آیزنهاور<sup>۱</sup> در ژانویه ۱۹۶۱ بوده که در آن او هشدار داد که «یک مجتمع نظامی - صنعتی قدرتمند می‌تواند آزادی‌های ما را به خطر بیندازد» و اقتصاد آمریکا را خفه کند (Held and et al, 1999: 108).

دهه‌های اولیه جنگ سرد، دوره‌ای پویا برای پایگاه‌های صنعتی دفاعی یا مجتمع‌های نظامی - صنعتی می‌باشد که مشخصه آن افزایش تولید بوده است. این صنعت تا دهه ۱۹۹۰ افزایش شدیدی

1. Dwight D. Eisenhower

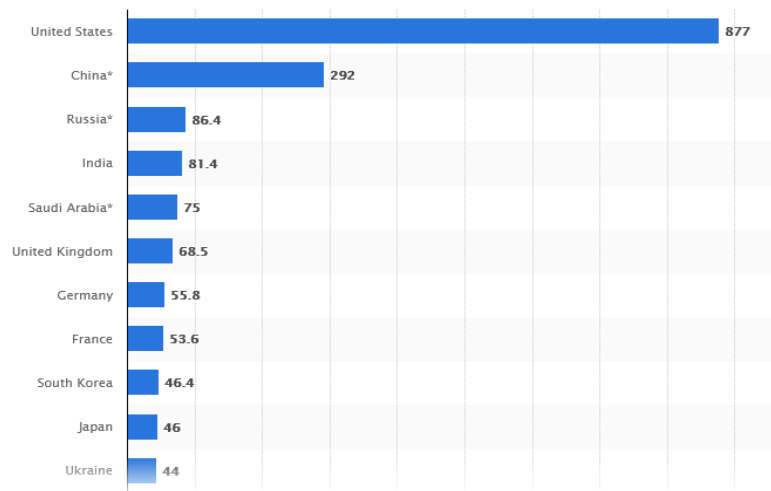
را تجربه کرد که ناشی از یک سری ادغام‌های بزرگ بین پیمانکاران دفاعی بود (Carril and Duggan, 2020: 104). فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و کاهش هزینه‌های نظامی جهانی (به اصطلاح سود صلح) در واقع منجر به کاهش تولیدات صنعتی دفاعی و تجمع تولیدکنندگان عمده تسلیحات شد، اگرچه هزینه‌های نظامی جهانی پس از ترور ۱۱ سپتامبر دوباره افزایش یافت. حملات ۱۱ سپتامبر و جنگ علیه تروریسم و همچنین افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی اخیر مرتبط با رقابت استراتژیک بین ایالات متحده، روسیه و چین موجب افزایش هزینه‌های نظامی کشورها و در نتیجه افزایش تولیدات صنعتی دفاعی شده است.



نمودار ۱) تولیدات دفاعی ایالات متحده، ۱۹۴۷ تا ۲۰۲۴ (Board of Governors of the Federal Reserve System, 2024)

در نمودار ۱ تولیدات دفاعی ایالات متحده بین سال‌های ۱۹۴۷ تا ۲۰۲۴ (خروجی ماهانه تجهیزات دفاعی و فضایی از ژانویه ۱۹۴۷ تا ژوئن ۲۰۲۴) ارائه شده است در واقع این نمودار نشان می‌دهد که از قضا روند تولیدات با واقعیات ژئواستراتژیک همخوانی دارد. پس از فروپاشی شوروی و قبل از یازدهم سپتامبر، روند تولیدات کاهشی بوده است؛ از سوی دیگر، پس از خروج آمریکا از عراق و قبل از ورود دوباره آمریکا به عراق به بهانه نبرد با داعش نیز روند، کاهشی بوده

است. در نمودار ۲ کشورهایی هستند که بیشترین هزینه‌های نظامی و دفاعی را در جهان در سال ۲۰۲۰ (یعنی سال پایانی ریاست جمهوری ترامپ در دوره نخست) به میلیارد دلار انجام داده‌اند:



نمودار ۲: هزینه کشورها در امور نظامی و دفاعی (به میلیارد دلار) در سال ۲۰۲۰ (www.statista.com)

همان‌طور که از نمودار ۱ و ۲ مشخص است، ایالات متحده به طور قابل توجهی بیشتر از کشور دوم این لیست هزینه می‌کند. حتی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، ایالات متحده همچنان در میان بزرگترین هزینه‌کنندگان نظامی است.

برخی از سیاستمداران قبل از اشتغال در دولت بوش با مجتمع‌های بزرگ نظامی صنعتی از جمله لاکهید مارتین ارتباط داشته‌اند که دوران طلایی این مجتمع‌ها رقم زدند که در آن بودجه نظامی آمریکا به طور چشمگیری افزایش یافت و در سال‌های بعد نیز این افزایش ادامه یافت (Crawford, 2016). دلیل اصلی شکل‌گیری مجتمع‌های نظامی - صنعتی پاسخ به چالش‌های امنیتی پیرامونی است و تداوم فعالیت این مجتمع‌ها به منافع اقتصادی اقلیت حاکم بر ساختار سیاسی - نظامی آمریکا گره خورده است که از طریق ایجاد نیازهای امنیتی تصنعی به جای نیازهای امنیتی واقعی بر فعالیت آنها دامن می‌زنند. در واقع نیازتراشی نظامی دولتمردان آمریکا معمولاً با واقعیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک سنخیتی ندارد. در واقع برای تداوم حیات مجتمع‌های

نظامی - صنعتی، باید چیزی فراتر از نیازهای واقعی یک کشور پایه تولید نظامی قرار گیرد (Mohammadnia, 2017: 254-255).

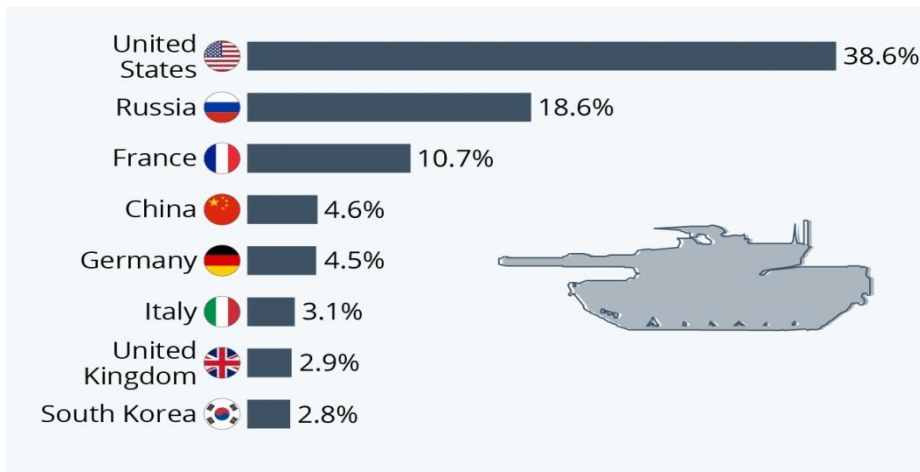


نمودار ۳) بزرگترین شرکت‌های تولید کننده اسلحه در جهان ۲۰۱۹



نمودار ۴) بزرگترین شرکت‌های تولید کننده اسلحه در جهان ۲۰۲۱ و تغییر نسبت به ۲۰۲۰ (SIPRI, 2020)

با نگاهی به نمودار ۳ و ۴ مشخص می‌شود، شرکت‌های آمریکایی در صدر فهرست قرار دارند. با این حال، دو شرکت چینی نیز به این موفقیت دست یافته‌اند که هر دو در سال ۲۰۲۱ رشد قابل توجهی داشته‌اند. نورینکو<sup>۱</sup> و اویک<sup>۲</sup> در سال ۲۰۲۱ مجموعاً بیش از ۴۰ میلیارد دلار فروش تسلیحات داشته‌اند. بر اساس آمار موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم (SIPRI)، علی‌رغم چالش‌های زنجیره تأمین، فروش تسلیحات ۱۰۰ شرکت بزرگ تولید تسلیحات در جهان با ۱,۹ درصد رشد به ۵۹۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ رسیده است (Wezeman and SIPRI, 2022) (SIPRI, 2022: 2-3). et al, 2022: 2-3).

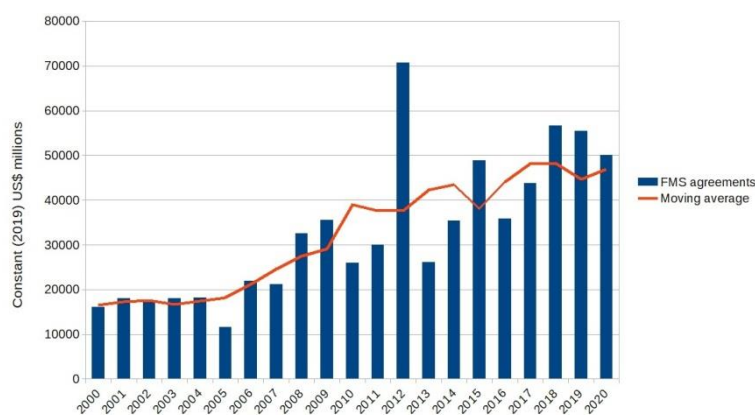


نمودار ۵) بزرگترین صادرکنندگان اسلحه در جهان بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ (SIPRI, 2022)

طبق آمار منتشر شده توسط پنتاگون، دولت اوپاما در هشت سال ریاست جمهوری خود بیش از ۲۷۸ میلیارد دلار فروش تسلیحات خارجی را تصویب کرده است که بیش از دو برابر مجموع فروش‌های دولت قبلی یعنی جورج بوش بوده است. بسیاری از قراردادهای تصویب شده (که اکثر آنها به فروش واقعی تبدیل شده‌اند) با کشورهای خاورمیانه صورت گرفته است (Weisgerber and Houck, 2016: 1). گزارشی که توسط برنامه نظارت بر کمک‌های امنیتی<sup>۳</sup> (SAM) مرکز

1. Norinco  
2. AVIC  
3 - Security Assistance Monitor (SAM)

سیاست بین الملل منتشر شد، گزارش های فروش تسلیحات ایالات متحده به کنگره در طول سال اول ریاست جمهوری ترامپ را مستند می کند. دولت ترامپ مجموع ۸۲,۲ میلیارد دلار فروش تسلیحات برای سال ۲۰۱۷ که کمی از مجموع ۷۶,۵ میلیارد دلار فروش تسلیحات دولت اوباما برای سال ۲۰۱۶ بوده است، فراتر رفت و بیش از ۲۰ میلیارد دلار کمتر از اوج پیشنهادات عمده فروش تسلیحات دولت اوباما در سال ۲۰۱۰ بوده است. ترامپ بیش از ۵۵,۶ میلیارد دلار فروش تسلیحات خارجی را در سال مالی ۲۰۱۸ تصویب کرد. در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ، ایالات متحده با فروش تسلیحات به ارزش ۲۳۷ میلیارد دلار در سال مالی ۲۰۱۶-۲۰۲۰ موافقت نمود<sup>۱</sup>. برخی از بزرگترین تفاوت ها در پیشنهادات عمده فروش تسلیحات در سال نخست ریاست جمهوری ترامپ در مقایسه با سال های گذشته، نوع سلاح ها است. بخش عمده پیشنهادات عمده تسلیحات در سال آخر ریاست جمهوری اوباما بر فروش هواپیماهای نظامی متمرکز بود. در مقابل، بزرگترین دسته پیشنهادات فروش تسلیحات در دولت ترامپ، بمب و موشک بوده که ناشی از معاملات عمده دفاع موشکی با عربستان سعودی، لهستان، رومانی، ژاپن و امارات متحده عربی بوده است (US Defence Security Cooperation Agency, 2017: 7-8)(caat.org.uk, 2021: 2).



نمودار ۶ ارزش قراردادهای فروش نظامی خارجی ایالات متحده از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ (US Defence Security Cooperation Agency, 2021)

۱. ارقام تحویل تا سال مالی ۲۰۱۷ ارائه شده بود، اما از آن زمان تاکنون، کاهش قابل توجهی در شفافیت وجود دارد.

ریشه این عملکرد در حال تغییر آمریکا در اقتصاد دفاعی نهفته است. ایالات متحده با اختلاف بزرگترین هزینه دفاعی را در جهان داراست که با اختلاف بسیار زیاد از چین قرار دارد. بزرگترین محرک بودجه دفاعی و امنیتی ایالات متحده اکنون نیاز به پاسخ به تهدید چین است که به اولویت شماره یک پنتاگون تبدیل شده است. بودجه دفاعی خود چین به سرعت در حال رشد است و به این کشور اجازه می‌دهد نیروهای دریایی، موشکی و هوایی با قابلیت‌های فرایند‌های را مستقر کند، که پنتاگون نگران آن است که این کشور توانایی پیروزی در یک جنگ منطقه‌ای کوتاه مدت را برای این کشور فراهم نماید. ایالات متحده بر این باور است که چین همچنین به سرعت در حال افزایش اندازه و تنوع توانایی‌های هسته‌ای خود است و می‌تواند تا اواسط دهه ۲۰۳۰، ۱۵۰۰ کلاهک مستقر در اختیار داشته باشد که نسبت به تعداد ۴۰۰ در سال ۲۰۲۱ بسیار بیشتر است (Creedon, 2023: 12).

حتی اگر از درگیری در مقیاس بزرگ اجتناب شود، به نظر می‌رسد پویایی رقابت کل سیستم بین چین و ایالات متحده یک محرک اصلی برای هر دو قدرت باشد. اکنون هر دو سهم قابل توجهی از منابع امنیت ملی خود را به قابلیت‌های نظامی، سایبری، اطلاعاتی و فناوری که برای کسب مزیت نسبت به دیگری طراحی شده‌اند، اختصاص داده‌اند. با بازگشت رقابت قدرت‌های بزرگ به عنوان محرک اصلی سیاست‌های دفاعی، به نظر می‌رسد هر دو قدرت در حال افزایش اولویت بودجه‌ای هستند که به نیروهای هسته‌ای داده شده است و چین در تلاش است تا زرادخانه‌ای مشابه (از نظر اندازه و تنوع) به زرادخانه‌های ایالات متحده و روسیه بسازد (Creedon, 2023: 8).

### نوع مواجهه ریاست جمهوری ایالات متحده با تغییرات جدید موازنه بین‌المللی قدرت

موازنه بین‌المللی قدرت در آستانه مهم‌ترین دگرگونی خود از زمان پایان جنگ جهانی دوم قرار دارد. با آغاز قرن بیست و یکم، آمریکا در سودای ایجاد نظم نوین جهانی و استقرار یک ساختار هژمونیک دست به یک سلسله اقدامات پر دامنه‌ای زد که تأثیرات مخرب و وحشتناکی در بسیاری از مناطق و بویژه در کشورهای اسلامی داشت (Aminian, 2024: 65). ساختار نظم جدید جهانی آینده ضمن خارج شدن از روابط خطی بین قدرت‌ها و پیچیده و چندبعدی شدن آن،

بر اساس شبکه‌های به هم پیوسته قدرت خواهد بود که در آن قدرت‌های مرکزی مناطق در زمینه‌های مختلف (اقتصادی، امنیتی، تکنولوژیک و...) به عنوان هاب شبکه‌ی منطقه‌ای نقش اصلی را در روابط قدرت ایفا می‌کنند و آن‌ها نیز در سطح کلانتری به ابر شبکه (ابرهاب) های جهانی متصل خواهند بود. بر این اساس، نظام بین‌الملل شامل تعداد بی‌شماری از پیوندهای به هم پیوسته و متقاطع است که باهم در قالب شبکه‌های مختلف قدرت تحولات جهانی را شکل می‌دهند (Mahdian and et al., 2025: 71). ترامپ بارها استدلال می‌کرد که برخلاف رؤسای جمهور سنتی، وی به طور منحصر به فرد صلاحیت شناسایی فرصت‌ها و نقاط ضعف حریف در مذاکره با رقبای آمریکا را دارد (Abediny Koshkuieh and et al., 2024: 225). این در حالی است که ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۹ و در دوران اوباما وارد مذاکرات پیمان مشارکت ترانس پاسیفیک شد تا با ورود به این پیمان نفوذ اقتصادی خود در منطقه آسیا - اقیانوسیه را افزایش دهد، زیرا این اعتقاد وجود داشت که پیمان مذکور سبب شکل‌گیری قوانینی در عرصه تجارت خواهد شد که ایالات متحده می‌تواند از آنها در فعالیتهای خود در آسیا - اقیانوسیه، به عنوان پویاترین منطقه اقتصادی جهان، بهره‌مند شود (Atazade and Fakheri, 2024: 11).

ظهور چین جامع‌ترین و پایدارترین چالش را برای نقش مسلط بین‌المللی ایالات متحده از زمان شکست قدرت‌های محور در جنگ جهانی دوم ایجاد می‌کند. در واقع تهدیدانگاری از چین به مثابه یک قدرت نوظهور به اواخر دوران بوش و به طور ویژه به دولت اول اوباما مربوط است که تحت عنوان سیاست «چرخش به آسیا» از سوی وی مطرح گردید و در دوران نخست ریاست جمهوری ترامپ، به طور برجسته، مورد توجه بوده و در دوره دوم شاهد شدت گرفتن آن هستیم. تهاجم روسیه به اوکراین، ابتدا در سال ۲۰۱۴ و سپس در سال ۲۰۲۲، منجر به جدی‌ترین درگیری نظامی در قاره اروپا در هفت دهه گذشته شده است. نتیجه این جنگ، افت اقتصادی نسبی روسیه و تسریع در وابستگی فزاینده آن به چین بوده است. این بحران همچنین مستقیماً به تسلیح مجدد اروپا در مقیاسی که اغلب نادیده گرفته می‌شود، منجر شده است. هزینه‌های دفاعی اروپا از زمان تهاجم سال ۲۰۱۴ تا کنون ۶۰ درصد افزایش یافته است و قرار است در سال‌های آتی افزایش بیشتری پیدا کند (McGerty, 2024: 2-3). این سرمایه‌گذاری‌های دفاعی جدید در سراسر اروپا، همراه با

نابودی بخش بزرگی از توانایی روسیه در نبرد، ضرورت جدیدی را برای اروپا فراهم می‌کند تا سهم بیشتری از بار دفاعی خود را به عهده بگیرد.

قوه مجریه ایالات متحده به رهبری ترامپ طیف وسیعی از اختیارات و مسئولیت‌های مربوط به مجتمع نظامی - صنعتی را اعمال می‌کنند. رئیس جمهور به عنوان فرمانده کل قوا، بسیاری از اهداف و الزاماتی را که پایگاه صنعتی - دفاعی باید پشتیبانی کند، تعیین می‌کند. چه به طور مستقیم (مانند نهادهای دولتی) و چه غیرمستقیم (مانند صنایع خصوصی)، ساختار و خروجی مجتمع نظامی - صنعتی با اولویت‌های ریاست جمهوری در مورد استراتژی ملی، الزامات نظامی و سیاست‌ها و اقدامات وزارت دفاع شکل می‌گیرد. اسناد و خط مشی مشخص شده قانونی که این اولویت‌ها را منعکس و بیان می‌کنند عبارتند از:

- استراتژی امنیت ملی<sup>۱</sup>؛

- استراتژی دفاع ملی<sup>۲</sup>؛

- برنامه دفاعی سال‌های آینده<sup>۳</sup>.

رئیس جمهور همچنین می‌تواند خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به پایگاه صنعتی دفاعی را از طریق دستورات اجرایی، یادداشت‌های ریاست جمهوری و سایر مکانیسم‌های اداری تعیین کند و سایر اختیارات قانونی اعطا شده مربوط به مدیریت تولیدات دفاعی تحت قانون تولید دفاعی ۱۹۵۰ (شرح شده در قانون جداگانه‌ای) را در اختیار داشته باشد.

قانون تولید دفاعی ۱۹۵۰<sup>۴</sup> مجموعه‌ای از اختیارات را به رئیس جمهور می‌دهد تا «برنامه‌های آمادگی دفاعی ملی را شکل دهد و گام‌های مناسب را برای حفظ و ارتقای داخلی بردارد. در طول هفت دهه گذشته، دولت‌های متوالی از قانون تولید دفاعی به عنوان ابزاری برای مدیریت ظرفیت تولیدی مرتبط با دفاع کشور استفاده کرده‌اند و از مقامات آن برای افزایش عرضه داخلی کالاها و مواد استفاده کرده‌اند.

این اختیارات در عناوینی (از جمله عنوان یکم و سوم) دسته‌بندی می‌شوند: عنوان نخست به رئیس جمهور اجازه می‌دهد تا مشاغل خصوصی را ملزم به پذیرش ترجیحی قراردادها و سفارشات

1. The National Security Strategy  
2. The National Defense Strategy  
3. The Future-Years Defense Program (FYDP)  
4. The Defense Production Act of 1950 (DPA)

و همچنین تخصیص مواد، خدمات و امکانات کند. عنوان سوم به رئیس جمهور اجازه می‌دهد تا وام، تضمین‌های وام، خرید و تعهدات خرید، کمک‌های بلاعوض و سایر کمک‌های مالی را مستقیماً به مشاغل خصوصی ارائه دهد.

تعداد و تنوع اقدامات قانون تولید دفاعی از ابتدای سال ۲۰۲۰ به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. دولت ترامپ و بایدن به طور گسترده از عناوین یکم و سوم برای پاسخ به همه‌گیری کووید-۱۹ از جمله از طریق اولویت‌بندی قراردادهای مرتبط با واکسن و ارائه کمک‌های مالی و مشوق‌هایی برای تولیدکنندگان داخلی تجهیزات پزشکی استفاده کردند (GAO, 2021: 1-2). دولت بایدن همچنین از اختیارات عنوان سوم این قانون برای پاسخ به تهاجم روسیه در سال ۲۰۲۲ به اوکراین (از طریق کمک به تولیدکنندگان مهمات و مواد استراتژیک) و همچنین برای انجام سایر اولویت‌های سیاسی استفاده کرده است (Department of Energy, 2022: 2).

انتظار می‌رود دونالد ترامپ نیز حداقل در اوایل ریاست جمهوری جدید خود این مسیر را بپیماید. ارائه حمایت در مقیاس بزرگ برای دولت‌های همسو با ایالات متحده اغلب به عنوان دلیلی برای افزایش ظرفیت ذکر می‌شود. برخی از تحلیلگران و سیاستگذاران استدلال می‌کنند که مجتمع صنعتی - دفاعی به جای تأمین نیازهای ایالات متحده، باید به عنوان یک «زرادخانه دموکراسی»<sup>۱</sup> عمل کند. علاوه بر اوکراین، تایوان و اسرائیل نیز اغلب به عنوان دریافت‌کنندگان کمک‌های امنیتی ایالات متحده با اولویت بالا شناخته می‌شوند؛ ادغام الزامات شریک در برنامه - ریزی صنعتی معتقد است که ایالات متحده توانایی هم مسلح کردن اوکراین و هم تقویت بازدارندگی در آسیا را دارد. برخی در کاخ سفید و کنگره استدلال می‌کنند که به دلیل محدودیت‌های ظرفیت، ایالات متحده مستلزم اولویت‌بندی یک شریک یا منطقه بر دیگران است (Allen and Pfeiffer, 2023: 2-3) (Colby and Velez-Green, 2023: 7).

بر این اساس در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصاد ایالات متحده، صنعت دفاعی تجاری از چند جهت مهم منحصر به فرد است. از آنجایی که دولت فدرال عملاً تنها خریدار برای اکثر محصولات و خدمات دفاعی است، مجتمع‌های نظامی - صنعتی از لحاظ تجاری ممکن است به عنوان یک محیط بازار انحصاری خرید<sup>۲</sup> توصیف شود (Carril and Duggan, 2018: 28). این

1. arsenal of democracy

2. Monopsony

بخش به طور کلی از اقتصاد کلان ایالات متحده جدا شده است. صنعت دفاعی نیز به شدت تحت نظارت است و بسیاری از محصولات و خدمات آن در معرض محدودیت‌هایی هم در مورد مالکیت یا استفاده داخلی و هم برای واردات یا صادرات بین‌المللی هستند.

### نقش مجتمع‌های نظامی - صنعتی در سیاست‌های ترامپ

در خصوص روابط جامعه و ارتش در دوره ریاست جمهوری نخست ترامپ باید اذعان نمود که برخی از اتفاقات رخ داده توسط روندها و الگوهای موجود در جامعه و ارتش که قبل از ریاست جمهوری ترامپ بود، تغذیه می‌شده است؛ اما این روندها به ویژه در درک تلاش‌های او برای ایجاد یک ائتلاف اجتماعی - نظامی برای حمایت از موقعیت خود در مقام ریاست جمهوری (یعنی تبدیل عناصر درون ارتش به متحدان حزبی وابسته به پایگاه سیاسی او) بسیار حائز اهمیت است. همچنین ترامپ با تاکتیک‌ها تهاجمی‌تر خود، این رویکرد را به افراط‌های منطقی خود رساند. به بیانی دیگر و ساده‌تر، میان لفاظی‌های ترامپ و عملکرد وی در مقام ریاست جمهوری تناقضات آشکاری وجود دارد.

ترامپ در یک گردهمایی انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۲۰۲۴ در ویسکانسین انتقادات شدیدی را علیه مجتمع‌های نظامی - صنعتی ارائه کرد. وی اظهار داشت: «من جنگ افروزان را اخراج خواهم کرد. ما این افراد را داریم، آنها همیشه می‌خواهند به جنگ بروند. می‌دانید چرا؟ موشک‌ها هر کدام ۲ میلیون دلار هستند. به همین دلیل است. آنها دوست دارند موشک‌ها را در همه جا پرتاب کنند. من هیچ جنگی نداشتم... من جنگ طلبان را از پست‌های امنیت ملی دولت خود اخراج خواهم کرد و یک پاکسازی بسیار مورد نیاز در مجتمع صنعتی نظامی را انجام خواهم داد تا از سودجویی در جنگ جلوگیری کنم و همیشه آمریکا را در اولویت قرار دهیم» (Hartung, 2024: 1).

در حالی که سابقه او در سخنرانی‌های مبارزاتی سال ۲۰۱۶ و واقعیت‌های دوره نخست ریاست جمهوری او نشان داد فاصله بسیاری میان لفاظی‌های صلح‌طلبانه او و دولتش وجود دارد. این واقعیت که او سازندگان تسلیحات و متحدان آنها را با چنین عباراتی تند توصیف نموده، نشان می‌دهد که یک جناح پوپولیست و ضد مداخله‌گر در پایگاه سیاسی او وجود دارد. بلافاصله پس از روی کار آمدن بر مسند ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۷، شرکت‌های بزرگ اسلحه‌سازی

بهترین دوستان او شدند و در اولین سفر خارجی خود به عربستان سعودی، بسته فروش گسترده تسلیحات را اعلام نمود و جرد کوشنر<sup>۱</sup> با رئیس لاکهید مارتین تماس گرفت تا از او بپرسد که آیا این شرکت می‌تواند برخی از سیستم‌های اصلی را با تخفیف به عربستان سعودی ارائه دهد (Hartung, 2024: 2).

ترامپ در دوره ریاست جمهوری نخست خود به دنبال پرورش حامیان سیاسی خود در داخل ارتش بود. او در اوایل دوران تصدی خود در بازدید از پایگاه نیروی هوایی مک دیل<sup>۲</sup>، به پرسنل نظامی جمع‌آوری شده در مورد رأی دادن به خود اشاره واضحی داشت (Gordon, 2017: 1-2). ترامپ همچنین به دنبال تقسیم افسران به دو دسته بود؛ از حامیان خود تمجید می‌کرد و در عین حال رهبران ارشد خود را به عامل مجتمعه نظامی-صنعتی بودن متهم می‌نمود و تحقیر می‌کرد (Bump, 2020: 3).

ترامپ همچنین تعداد بی سابقه‌ای از ژنرال‌ها را در کابینه خود منصوب کرد و از آنها به عنوان «ژنرال‌های من<sup>۳</sup>» یاد می‌نمود؛ حتی زمانی که نقش‌های سیاسی غیرنظامی مانند وزیر دفاع یا رئیس ستاد را ایفا می‌کردند. وی در طول دوران ریاست جمهوری خود، نمادهای نظامی را پذیرفت و به طور مرتب در مقابل تجهیزات نظامی سخنرانی می‌کرد و از هواپیماهای جنگنده، کشتی‌ها و وسایل نقلیه زمینی به عنوان پس زمینه با هدف شکل دادن به ایده «ارتش برای ترامپ<sup>۴</sup>» استفاده می‌نمود (Cohen, 2020: 3).

### نفوذ در ساخت سیاسی - اقتصادی

بخش نظامی - صنعتی در ایالات متحده در وضعی است که می‌تواند بی نیاز از شرایط و معیارهای دموکراتیک، برای بقای خود مشروعیت به دست آورد و حتی مرزهای دموکراتیک در این زمینه را کنار بگذارد. بر اساس پژوهش دقیق جول بینین<sup>۵</sup> تاریخدان آمریکایی از دانشگاه استنفورد، بخش صنعتی - نظامی و پشتیبانان نیرومندش در واشنگتن، با پیروان اندیشه «اسرائیل بزرگ» همکاری نزدیک دارند.

مجتمع نظامی صنعتی در ایالات متحده نماینگر نوعی از رابطه درون ساختاری میان حاکمیت و مجموعه‌ای از شرکت‌های تسلیحاتی هستند. در حقیقت، زیرساخت اصلی مجتمع‌های نظامی -

1. Jared Kushner
2. MacDill Air Force base
3. My Generals
4. Army for Trump
5. Joel Beinin

صنعتی تفکر نظامی‌گری است و تمام معادلات و محاسبات این مجموعه صرفاً حول محور این نوع تفکر قابل تجزیه و تحلیل است. گردانندگان مجتمع‌های نظامی - صنعتی با بزرگ‌نمایی تهدیدات امنیتی غیرواقعی موجود، مدام باعث افزایش بودجه نظامی و سیاست‌های تهاجمی و نظامی ایالات متحده می‌گردند.

تشدید روابط خصوصی بین نظامیان و گروه‌های قدرتمند و ذی نفوذ اقتصادی تنها به معنی تسریع و آسان ساختن زمینه عقد قراردادهای یک‌طرفه و سوداندوزی بیشتر نیست، بلکه این روابط، مشخصات ساختارهای جامعه سرمایه‌داری آمریکا را نیز به نمایش می‌گذارد. در یک دیدگاه مثبت به واگذاری بخشی از وظایف امنیتی و نظامی به مجتمع‌های نظامی - صنعتی، پشتیبانی نیروهای رسمی با نیروهای پیمانکار به‌طور بالقوه می‌تواند باعث صرفه‌جویی در هزینه‌ها، تهور سیاسی و افزایش امنیت ملی و اثربخشی بیشتر نیروهای نظامی گردد (Kidwell, 2005: 9).

فعالیت اقتصادی مجتمع‌های نظامی - صنعتی در جامعه آمریکا به دو طریق انجام می‌شود. از یک سو این مجتمع‌ها به عنوان محرک اقتصاد آمریکا عمل می‌کنند از سوی دیگر، هدف اصلی مجتمع‌های نظامی - صنعتی کسب سود اقتصادی و افزایش میزان فروش و کسب درآمد است. در جامعه آمریکا ۸۵ هزار مجتمع نظامی - صنعتی وجود دارد که باعث اشتغال‌زایی گسترده شده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که فقط در ۲۵ مجتمع بزرگ نظامی - صنعتی در آمریکا بیش از ۲ میلیون نفر به صورت مستقیم مشغول به کار هستند (Motaghi, 2002: 16). لابی صنایع تسلیحاتی آمریکا بر اساس ساختار صنایع تسلیحاتی مشتمل بر سه لابی کوچک‌تر به نام‌های لابی صنایع هوا - فضا، لابی صنایع الکترونیک و لابی صنایع مختلف تسلیحاتی است که هر کدام در بخش‌های خاص خود فعال بوده و در کل به عنوان یک لابی، اهداف مجتمع‌های نظامی - صنعتی را تأمین می‌کنند. این لابی‌ها که در کمک‌های مالی انتخاباتی (جدول ۱) نمود می‌یابد، برای اعمال نفوذ خود از روش‌های ذیل استفاده می‌نمایند:

- نفوذ در کابینه

- نفوذ در پنتاگون

- نفوذ در کنگره

- نفوذ در هیأت سیاست‌گذاری دفاعی

- نفوذ در مراکز علمی و تصمیم‌گیری (Modarres and et al., 2017: 195-202).

جدول ۲) کمک‌های مالی لابی صنایع تسلیحاتی در دوره‌های مختلف انتخاباتی آمریکا (۲۰۱۶-۲۰۰۰)  
(Opensecrets, 2016)

دوره انتخاباتی	کل کمک (دلار)	کمک از سوی اشخاص	کمک‌های اقدام سیاسی از سوی کمیته	کمک به دموکرات‌ها	جمهوری خواهان به کمک به	دموکرات‌ها به کمک به	جمهوری خواهان به کمک به
۲۰۱۶	۹۸۹.۲۷۵	۶۸۳۵	۹۸۴.۴۴	۳۳۳.۷۷	۶۴۴.۰۰۵	۳۷	۶۳
۲۰۱۴	۲۵۳۱۲.۶۱۰	۴۷۳۳.۶۷۵	۲۰۴۴۹۱۰	۱۰۱۲۷.۶۲	۱۵۰۸۷.۴۳۹	۴۰	۶۰
۲۰۱۲	۲۸.۴۰۰.۸۵۵	۹.۶۰۸.۷۶۸	۱۸.۴۴۲.۲۹۶	۱۱.۱۵۳.۸۷۶	۱۶.۸۱۶.۶۳۹	۴۰	۶۰
۲۰۱۰	۲۳.۸۳۴.۲۹۸	۶.۶۰۸.۹۹۴	۱۷.۱۰۲.۵۴	۱۲.۳۶۳.۴۹۶	۱۱.۰۷۰.۱۷۳	۵۳	۴۷
۲۰۰۸	۲۵.۹۲۱.۵۹۷	۱۱.۳۵۹.۵۰۵	۱۴.۵۳۴.۰۹۲	۱۳.۳۲۸.۱۷۲	۱۲.۵۶۱.۳۰	۵۱	۴۸
۲۰۰۶	۱۸.۷۸۲.۰۳۷	۶.۸۳۳.۳۷۹	۱۴.۵۳۴.۰۹۲	۷.۳۳۶.۱۲۵	۱۱.۲۰۹.۴۲۷	۳۹	۶۱
۲۰۰۴	۱۸.۷۴۰.۰۸۹	۸.۰۵۴.۵۰۶	۱۰.۶۷۳.۰۸۳	۷.۲۰۵.۹۴۹	۱۱.۴۶۴.۶۷۱	۳۸	۶۱
۲۰۰۲	۱۶.۶۴۳.۸۶۹	۲.۹۲۱.۸۲۵	۸.۹۸۷.۸۲۲	۵.۷۸۵.۵۵۵	۱۰.۸۶۷.۰۷۳	۳۵	۶۵
۲۰۰۰	۱۵.۲۸۹.۷۸۰	۳.۰۵۸.۴۱۲	۷.۵۷۵.۰۹۱	۵.۲۵۸.۶۷۵	۹.۹۸۹.۳۲۵	۳۵	۶۵

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ پیمانکاران نظامی و گردانندگان اصلی مجتمع‌های نظامی - صنعتی به دلایل مختلف از جمله تجاری و ایدئولوژیک از هر دو نامزد انتخابات حمایت کردند و پیمانکاران دفاعی مدافع همیشگی نامزدهای جمهوری خواه به علت عدم پیش‌بینی ناپذیری ترامپ از هیلاری کلینتون حمایت نمودند (Korzun, 2016). در ۲۰ مارس ۲۰۱۸، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در کنار محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی در کاخ سفید نشست و نقشه بزرگی را برداشت که در آن نوشته شده بود خرید تسلیحات سعودی از مشاغل در ایالت‌های کلیدی از جمله پنسیلوانیا، میشیگان، فلوریدا و اوهایو، پشتیبانی می‌کند. که برای پیروزی ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ بسیار مهم بود (Shahid Ahmed, 2020: 2).

## ارتباط با کابینه دولت

ترامپ بلافاصله توسط کارشناسانی که مشتاق بودند اظهارات او را "رادیکال" یا بی احترامی نشان دهند مورد انتقاد قرار گرفت. ترامپ مطمئناً اشتباه نمی‌کند که می‌گوید انگیزه سود در جنگ قرار دارد. هرگونه بررسی تاریخی جنگ عراق بدون در نظر گرفتن سند نشان می‌دهد نزدیک به ۴۰ میلیارد دلار قراردادهای فدرال که در دهه اول جنگ به هالیبرتون<sup>۱</sup> (شرکت سابق دیک چنی<sup>۲</sup>) اعطا شد.

یک روز پس از دستور ترامپ به ترور (شهادت) ژنرال قاسم سلیمانی در ژانویه ۲۰۲۰، ارزش لاکهید مارتین بزرگترین مجتمع نظامی - صنعتی جهان به طور چشم‌گیری جهش کرد و ۴,۳ درصد افزایش یافت و سود هجده عضو کنگره را که مجموعاً ۷۶۰,۰۰۰ دلار سهام لاکهید مارتین دارند را افزایش داد (Korda, 2020: 1).

ترامپ بارها از جایگاه خود به عنوان فرمانده کل به عنوان فروشنده سلاح در آمریکا استفاده کرده است. نفوذ سیاسی موضع ترامپ به طور شخصی منطقی است (او مرتباً در مورد خشونت، معمولاً نسبت به خارجی‌ها خیال‌پردازی می‌نمود) و او و مشاورانش آن را از نظر سیاسی نیز مفید می‌دانند. ترامپ بارها در تأسیسات تولید سلاح در ایالت‌ها ظاهر شد، رئیس لاکهید مارتین را با استفاده از منابع کاخ سفید ارتقا داد، کارمندان صنایع دفاعی را به صورت بی‌سابقه‌ای به مشاغل دولتی منصوب نمود و بودجه پنتاگون را به بالاترین حد تاریخی رساند (درآمد آینده برای شرکت‌هایی مانند لاکهید و بوئینگ) (Shahid Ahmed, 2020: 2-3). مجتمع‌های نظامی - صنعتی از طریق لابی‌گری، بر اعضای کنگره تأثیر می‌گذارند و طرح‌های بودجه و لوایح سیاسی را که به نفع آنها باشد، به تصویب می‌رسانند. به عنوان مثال، بودجه دفاعی سال ۲۰۲۲ که در مجموع ۸۵۸ میلیارد دلار بود، شامل بیش از ۱۰۰ بند بود که گمان می‌رود مستقیماً توسط گروه‌های لابی‌گری نظامی نوشته یا تحت تأثیر آنها قرار گرفته است. این بندها نه تنها شامل سیستم‌های تسلیحاتی سنتی، بلکه شامل سرمایه‌گذاری در جنگ اطلاعاتی و جنگ شناختی نیز می‌شد. مجتمع‌های نظامی - صنعتی از طریق لابی‌گری، سرمایه‌گذاری‌هایی را در فناوری‌های مرتبط با جنگ شناختی، مانند نظارت بر رسانه‌های اجتماعی، تجزیه و تحلیل کلان داده‌ها و هوش

1. Halliburton  
2. Dick Cheney

مصنوعی، هدایت کرده‌اند سرمایه‌گذاری‌هایی که اغلب از نیازهای واقعی نظامی فراتر می‌روند و حتی با مخالفت صریح ارتش در تضاد هستند، اما راه‌های سودآوری جدیدی را برای این شرکت‌ها باز می‌کنند. بدیهی است که مجتمع‌های نظامی-صنعتی که تحت تأثیر منافع خود هستند، به یک "نیروی نامرئی" در شکل‌دهی به سیاست دفاعی ایالات متحده تبدیل شده‌اند (Wang, 2024: 70-71). هر سه وزیر دفاعی منتخب ترامپ با صنعت دفاعی ارتباط داشتند: جیم متیس<sup>۱</sup> یکی از اعضای هیئت مدیره جنرال داینامیکس<sup>۲</sup>، پت شاناهان<sup>۳</sup> یکی از مدیران بوئینگ و مارک اسپر<sup>۴</sup> لابی‌گر ارشد ریثیون<sup>۵</sup> بود. ماتیس نیز مدت کوتاهی پس از ترک پنتاگون به سمت هیئت مدیره خود بازگشت و درب گردان بین صنعت و وزارت دفاع را نشان داد. بر اساس تحلیلی که توسط پروژه نظارت دولتی انجام شده است، نزدیک به نیمی از مقامات ارشد وزارت دفاع با پیمانکاران نظامی مرتبط هستند (Feldscher, 2020: 1-2).

### بخش امنیتی

سه مجموعه اقداماتی که دونالد ترامپ در رابطه با بخش امنیتی انجام داد برجسته است:

- اولین مورد شامل تلاش‌های آشکار ترامپ برای منصوب کردن افرادی در مناصب کلیدی در نهاد امنیت ملی بود که شخصاً به او وفادار هستند؛ در حقیقت، بالا بردن وفاداری (اغلب بیش از شایستگی) در انتصاب‌ها در میان رهبران کلیدی نیروهای امنیتی، یک تاکتیک معمول است (Brooks, 1998: 47). به گفته کسانی که در دولت حضور داشتند، ترامپ مرتباً چنین عواملی را در انتصاب‌ها در اولویت قرار می‌داد. برای مثال، پس از خروج مقامات ارشد غیرنظامی پنتاگون در فوریه و ژوئن ۲۰۲۰، افرادی منصوب شدند که به دلیل ارتباطات شخصی نزدیک خود با کاخ سفید شناخته شده بودند و وفاداری بلامنازع به ترامپ داشتند (Ryan and et al., 2020: 2-3). این انتصابات، که برخی آن را «پاکسازی» سلسله مراتب ارشد غیرنظامی توصیف می‌کنند، شامل چهره‌هایی بود که پیش از این خواستار اقدامات تهاجمی تر علیه ایران بودند و در مقابله با بوروکراسی موفق عمل کرده بودند. برخی از منصوبان همچنین به ترویج نظریه‌های توطئه

1. Jim Mattis
2. General Dynamics
3. Pat Shanahan
4. Mark Esper
5. Raytheon's top lobbyist

حاشیه‌ای<sup>۱</sup> معروف بودند. جان مک‌آنتی<sup>۲</sup> (مامور سابق ترامپ)، کش پاتل<sup>۳</sup> (عضو شورای امنیت ملی کاخ سفید)، آنتونی تاتا<sup>۴</sup> (ژنرال بازنشسته و مفسر مکرر فاکس نیوز)، عزرا کوهن-واتنیک<sup>۵</sup> (معاون سابق پنتاگون در امور اطلاعات و امنیت) و ریچ هیگینز<sup>۶</sup> (مقام سابق شورای امنیت ملی) از جمله این افراد بوده‌اند.

۲. تاکتیک دوم ترامپ، استفاده از قدرت قهری نیروهای امنیتی ایالات متحده به عنوان یک نماد سیاسی و در برخی موارد به طور بالقوه به عنوان ابزاری برای اجبار یا آسیب رساندن به مخالفان اجتماعی بود. در واقع پرورش نیروهای امنیتی دولتی خارج از ارتش، تاکتیک رایج رهبران کشورهای غیردموکراتیک است که به این نیروها برای اقدامات سرکوبگرانه علیه کسانی که در جامعه مخالف حکومت آنها هستند، تکیه می‌نمایند. ترامپ از این تاکتیک استفاده می‌نمود. برای نمونه: به کارگیری نیروهای امنیتی علیه معترضان در پورتلند و سایر شهرها در اواخر ژوئن ۲۰۲۰ (White House, 2020: 118-122).

۳. نهایتاً تلاش ترامپ برای استفاده از نیروهای امنیتی برای ماندن در قدرت. اقدامات ترامپ، ممکن است به عنوان یک خودکودتای<sup>۷</sup> یا کودتای از بالا<sup>۸</sup> طبقه بندی شود (Ingraham, 2021).  
۳. نظرسنجی‌های موسسه میلیتاری تایمز<sup>۹</sup> حاکی از کاهش حمایت پرسنل نظامی از ترامپ قبل از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ بوده است، که نشان می‌دهد دست کم برخی از آنها با اقدامات او موافق نبوده‌اند (Shane III, 2020: 7-8).

1 - fringe conspiracy theories

2 - John McEntee

3 - Kash Patel

4 - Anthony Tata

5 - Ezra Cohen-Watnick

6 - Rich Higgins

۷- خودکودتای خودخواسته (self-coup) که به آن کودتای خودکار یا کودتای از بالا نیز گفته می‌شود، زمانی است که یک رهبر سیاسی که از قبل در قدرت است، به طور غیرقانونی از موقعیت و منابع خود برای تصرف یا حفظ قدرت با تضعیف یا برچیدن سایر شاخه‌های حکومت استفاده می‌کند. ما شاهد این اتفاق پس از انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در سال ۲۰۲۰ بودیم و به همین دلیل تلاش ترامپ برای اعمال فشار بر مقامات محلی و مایک پنس (معاون رئیس جمهور وقت) برای لغو نتیجه انتخابات را در فهرست «کودتای خودخواسته» قرار می‌دهیم.

8. autogolpe

9 - Military Times

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در دوره ریاست جمهوری ترامپ ماهیت مجتمع‌های نظامی صنعتی در چگونگی شکل‌گیری و گستره فعالیت آنها و اثرگذاری بر بحران‌های بین‌المللی و همچنین نقش رسانه‌ها دارای اهمیت بسیار است. همچنین نقش ارتش آمریکا در خارج از این کشور محرک مهمی برای تولیدات صنعتی نظامی و فروش این تسلیحات به سایر کشورهاست.

واقعیت این است که دونالد ترامپ قصد داشت به تقلید از آیزنهاور، نام خود را به عنوان یک رئیس‌جمهور هوشیار و صلح‌طلب در تاریخ به ثبت برساند. اظهارات منتقدانه ترامپ در مورد نقش و هدف اهداف مجتمع‌های نظامی - صنعتی اشتباه نبود، اما قطعاً ریاکارانه بود. وزیرای دفاع او به ترتیب از مدیران ارشد بوئینگ و ریثیون بودند و ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری خود هر سال هزینه‌های پنتاگون را به میزان قابل توجهی افزایش داده است. ترامپ بعد از پیروزی نشان داد که برخلاف تصور اولیه، دوست خوبی برای مجتمع نظامی - صنعتی است. بر این اساس یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ارتباط معناداری میان نقش و فعالیت مجتمع‌های نظامی - صنعتی و تصمیم‌گیران سیاست خارجی ایالات متحده وجود دارد و این گزاره که مجتمع‌های نظامی - صنعتی و جنگی آمریکا پشت اکثر تصمیمات تهاجمی این کشور قرار دارد، کاملاً درست است.

همچنین یافته‌های مقاله حاضر با تجزیه و تحلیل رفتار ترامپ بر اساس رویکرد واقع‌گرایی نشان می‌دهد رئیس‌جمهور آمریکا بعد از پیروزی در انتخابات در سال ۲۰۱۶ تا پایان دوره نخست ریاست جمهوری خود در سال ۲۰۲۰، برخلاف تصور اولیه، دوست خوبی برای مجتمع نظامی - صنعتی بوده است. قرارداد سنگین فروش تسلیحات به عربستان سعودی که در دولت ترامپ منعقد شد بار دیگر توجه اذهان را به کارکرد پشت پرده مجتمع‌های نظامی - صنعتی آمریکا جلب نمود. در واقع مجتمع‌های نظامی - صنعتی با گروهی از سیاست‌گذاران کلان تداخل اعضا داشته و این ویژگی باعث شده آنها با حمایت مالی و تبلیغات مجتمع‌های نظامی - صنعتی و با استفاده از دستاویز تهدید منافع ملی، سیاست خارجی و دفاعی ایالات متحده را به سوی جنگ و سیاست مداخله‌جویی ببرند؛ که نمونه بارز آن در ترور سردار قاسم سلیمانی در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ و بمباران مراکز هسته‌ای ایران در جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران در دوره دوم ریاست

جمهوری ترامپ قابل مشاهده است. بنابراین مجتمع‌های نظامی - صنعتی به عنوان عنصر هویت بخش و مشروعیت آفرین سیاست‌های دفاعی و نظامی ایالات متحده، ترامپ را در دوره ریاست جمهوری نخست خود به سمت یکجانبه‌گرایی غیرمشارکتی بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ سوق داده است که فرضیه اصلی این مقاله را مورد تأیید قرار می‌دهد.

در انتها با توجه به گسترده بودن موضوع مجتمع‌های نظامی - صنعتی در ایالات متحده پیشنهاد می‌گردد که پژوهش‌های دیگری در قالب مقایسه تطبیقی در مورد نقش و جایگاه این مجتمع‌ها در دوره تصدی‌گری قدرت توسط دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان و همچنین این پژوهش با دوره بعدی ریاست جمهوری آمریکا یعنی دوره جو بایدن و همچنین دوره جدید ریاست جمهوری ترامپ (شروع ۲۰۲۵ تا پایان ۲۰۲۸) در آینده صورت گیرد.

## فهرست منابع

- Abediny Koshkuieh. Hasan. Masoudnia. Hossein. Goodarzi. Mahnaz. (2024), Analyzing Factors Affecting Trump's Foreign Policy against Iran: Lessons for Iran, *International Studies Journal*. 20 (4), 219-244. (In Persian)
- Allen. Michael and Pfeiffer. Connor. (2023). The U.S. Can Help Ukraine and Deter China. *The Wall Street Journal*, July 18. Available at: <https://www.wsj.com/articles/the-us-can-help-ukraine-and-deter-china-javelin-stinger-nat-sec-taiwan-9779ada5>
- Aminian. Bahadur. (2024). The legacy of two decades of American presence in Afghanistan: The heavy costs of the people of Afghanistan and the region. *Journal of Security Horizons*, 17 (62); 65-91. (In Persian)
- Atazade. Sajjad. Fakheri. Mehdi. (2024). A Comparative Study of the Strategy of the United States' Administrations Towards Asia-Pacific (2009-2022), *International Studies Journal*. 21 (1), 7-29. (In Persian)
- Board of Governors of the Federal Reserve System. (2024). Industrial Production: Equipment: Defense and Space Equipment (IPB52300S). *Federal Reserve System*. Available at: <https://fred.stlouisfed.org/series/IPB52300S>
- Brooks. Risa. (1998). *Political-Military Relations and the Stability of Arab Regimes*, (Adelphi Paper). Oxford: Oxford University Press.
- Bump. Philip. (2020). "Why Trump Wants to Blame the Military-Industrial Complex for Allegations That He Disparaged Troops," *Washington Post*, No. 8 Sep, 1-6.
- Carril. Rodrigo. and Duggan. Mark. (2018). The Impact of Industry Consolidation on Government Procurement: Evidence From Department of Defense Contracting, *National Bureau of Economic Research*, Working Paper, 25160, 1-54.
- Carril. Rodrigo. and Duggan. Mark. (2020). The impact of industry consolidation on government procurement: Evidence from Department of Defense contracting. *Journal of Public Economics*. 184 (4), 104-141.
- Cohen. Seth. (2020). "A MAGA Militia? How The President's Campaign Is Recruiting An "Army For Trump",. *Forbes*, No. 9.
- Colby. Elbridge and Velez-Green. Alex. (2023). To Avert War with China, the U.S. Must Prioritize Taiwan over Ukraine. *The Washington Post*, 138, 1-8.
- Cox. Ronald W. (2014). The Military Industrial Complex and US Military Spending After 9/11, *Class Race Corporate Power*, 2 (2), 1-22.
- Creedon. Madelyn. R. (2023). *America's Strategic Posture: The Final Report of the Congressional Commission on the Strategic Posture of the United States*. Washington D.C: United States Institute of Peace Press.
- Department of Energy. (2022). President Biden Invokes Defense Production Act to Accelerate Domestic Manufacturing of Clean Energy. Available at: <https://www.energy.gov/articles/president-biden-invokes-defense-production-act-accelerate-domestic-manufacturing-clean>
- Deyermond. Ruth. (2023). The Trump presidency, Russia and Ukraine: explaining incoherence. *International Affairs*, 99 (4), 1595-1614.
- Drezner, D. W. (2022). How not to sanction. *International Affairs*, 98 (5), 1533-1552.
- Feldscher. Jacqueline. (2020). Trump is blasting the military-industrial complex. But he's one of its biggest boosters, *Politico*. at: <https://www.politico.com/news/2020/09/08/trump-military-defense-industry-booster-410396>

- GAO. (2021). COVID-19: Agencies Are Taking Steps to Improve Future Use of Defense Production Act Authorities. *Government Accountability Office*. Available at: <https://www.gao.gov/products/gao-22-105380>
- Gordon. Michael R. (2017). "Trump's Mix of Politics and Military Is Faulted," *New York Times*, No. 7 Feb.
- Hartung. William. (2024). Will Donald Trump Tame the Military-Industrial Complex?. *Forbes*. Available at: <https://www.forbes.com/sites/williamhartung/2024/09/13/will-donald-trump-tame-the-military-industrial-complex/>
- Held. David. McGrew. Anthony G. and Goldblatt. David. (1999). The expanding reach of organized violence. In Perraton. Jonathan (ed.). *Global Transformations: Politics, Economics and Culture*. Redwood City: Stanford University Press.
- Ingraham. Christopher. (2021). "How Experts Define the Deadly Mob Attack at the U.S. Capitol," *Washington Post*, No. 13 Jan.
- Kidwell. Deborah C. (2005). *Public War, Private Fight? The United States and Private Military Companies*, Fort Leavenworth: Combat Studies Institute Press.
- Kopan. Tal. (2016). In invoking 'America First,' Trump stirs memories of pre-WWII isolationist movement. *CNN*, April 28.
- Korda. Matt. (2020). Trump Is A Hypocrite, But He's Right About The Military-Industrial Complex, *Forbes*. at: <https://www.forbes.com/sites/matthewkorda/2020/09/10/trump-is-a-hypocrite-but-hes-right-about-the-military-industrial-complex/?sh=39c84a5978da>
- Korobkov. Andrei. (2017). Donald Trump and the Evolving U.S.-Russia Relationship. *Perceptions*, XXIV (1), 39-58.
- Korzun. Peter. (2016). Hillary Clinton: Candidate of Military Industrial Complex, *Strategic Culture Foundation*. at: <http://www.strategic-culture.org/news/2016/08/25/hillary-clinton-candidate-military-industrial-complex.html>
- Kyriakidis. K. (2021). Reflections on US Sanctions on Iran, the 2015 Iranian Nuclear Program Agreement (JCPOA) and the Current State of US-Iran Bilateral Relations. *The Arab World Geographer*, 24 (1), 55-66.
- Lake. Eli. (2016). Donald Trump's new 'America First' slogan has old baggage from Nazi era. *The Chicago Tribune*, April 28.
- Mahdian. H. Torkashvand. Mohammad J. Jahani Rad H. (2025). Theoretical Analysis of Power Networks in the International System. *Security Horizons*, 18 (68); 71-104.(In Persian)
- McGerty. Fenella. (2024). European defence spending: a decade of growth. *International Institute for Strategic Studies IISS*. Available at: <https://www.iiss.org/online-analysis/military-balance/2024/11/european-defence-spending-a-decade-of-growth/>
- Mearsheimer. John. (2001). *Tragedy of Great Power Politics*, Chicago: University of Chicago.
- Modarres. Mohammadvali, Khalili, Reza, Atanegad, Habib. (2017). The Role of Military-Industrial Complexes in US Foreign Policy, *International Relations Research Quarterly*, 1 (24), 185-214. (In Persian)
- Mohammadnia. Mahdi. (2017). Revival of the Military-Industrial Complex: Conflict Creation and War on International Terrorism, *Strategic Studies of Public Policy*, 8 (28), 268-249.(In Persian)
- Moshirzadeh. Homeyra. (2007). *Evolution in international relations theories*, third edition. Tehran: Samt Publications. (In Persian)
- Motaghi. Ibrahim. (2002). *Transformation in US foreign policy: interventionism and expansion*, Tehran: Islamic Revolution Records Center. (In Persian)

- Phillips. James. (2018). US Iran Policy After the Demise of the Nuclear Deal. *Heritage Foundation*. No. 3335, 1-13.
- Ryan. Missy. Sonne. Paul and Dawsey. Josh. (2020). "White House Intensifies Effort to Install Pentagon Personnel Seen as Loyal to Trump," *Washington Post*, No. 25 June.
- Shabanikiya, H. (2020). Multiple-scale spatial analysis of paediatric, pedestrian road traffic injuries in a major city in North-Eastern Iran 2015–2019. *BMC public health*, 20 (1), 1-11.
- Shahi, A. (2020). Iran's 2019–2020 demonstrations: the changing dynamics of political protests in Iran. *Asian Affairs*, 51 (1), 1-41.
- Shahid Ahmed. A. (2020). Trump Got Played By The Military-Industrial Complex, *Common Cause*. at: <https://www.commoncause.org/clip/huffpost-how-trump-got-played-by-the-military-industrial-complex/>
- Shane III. Leo. (2020). "Trump's popularity slips in latest Military Times poll and more troops say they'll vote for Biden". *Military Times*. No. 8 (31 August).
- Shokohiaazar. F. & Givkey S., (2011). Military - Industrial Complexes And The Role Of Militarism In America's Foreign Policy. *Studies Of International Relations Journal (Political Science And International Relations Journal)*, 4 (16); 181-196. (In Persian)
- Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI). (2020). *Trends in World Military Expenditure 2019*, *Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)*. at: [https://www.sipri.org/sites/default/files/2020-04/fs\\_2020\\_04\\_milex\\_0\\_0.pdf](https://www.sipri.org/sites/default/files/2020-04/fs_2020_04_milex_0_0.pdf)
- Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI). (2022). Trends In International Arms Transfers 2021, *Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)*. at: [https://www.sipri.org/sites/default/files/2022-03/fs\\_2203\\_at\\_2021.pdf](https://www.sipri.org/sites/default/files/2022-03/fs_2203_at_2021.pdf)
- Stranne. Frida. (2020). Trump's Foreign Policy Agenda is Anything but Isolationism, *American Studies in Scandinavia*. 52 (1), 99-120.
- Taylor. Jessica. (2016). Donald Trump's Long Embrace Of Vladimir Putin. *NPR*, No. 9.
- US Defence Security Cooperation Agency. (2017). *Historical Facts Book and 2020 Historical Sales book*. Washington, DC: Defense Security Cooperation Agency.
- US Defence Security Cooperation Agency. (2021). *Historical Facts Book and 2020 Historical Sales book*. Washington, DC: Defense Security Cooperation Agency.
- Wang. Miao. (2024). Power Under the Shadow: The Dual Impact of the U.S. Military–Industrial Complex. *J. Int. Eco. Glo. Gov (MOSP)*, 1 (5), 61-78.
- Wezeman. P. Kuimova. A. and Wezeman. S. T. (2022). Trends In International Arms Transfers 2021, *Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)*, at: [https://www.sipri.org/sites/default/files/2022-03/fs\\_2203\\_at\\_2021.pdf](https://www.sipri.org/sites/default/files/2022-03/fs_2203_at_2021.pdf)
- Weisgerber. M. and Caroline. H. (2016). "Obama's Final Arms-Export Tally More than Doubles Bush's," November 8, <https://www.defenseone.com/business/2016/11/obamas-final-arms-export-tally-more-doubles-bushs/133014/>
- White House. (2020). "Executive Order on Protecting American Monuments, Memorials, and Statues and Combating Recent Criminal Violence," June 26, <https://trumpwhitehouse.archives.gov>
- Zakaria. F. (1999). *From Wealth to Power: The Unusual Origins of America's World Role*. Princeton: Princeton University Press.
- [www.caat.org.uk/data/countries/united-states/us-arms-exports/](http://www.caat.org.uk/data/countries/united-states/us-arms-exports/)
- [www.statista.com](http://www.statista.com)
- [www.quiverquant.com](http://www.quiverquant.com)



